

تبلور و صیانت فرهنگ معماری در گرو احیای بافتها و ارزشهای تاریخی

چکیده

لرزم احیای ارزشهای بافتهای تاریخی از دیرباز مورد توجه بوده و کشورهای پیشرفته جهان با اجرای برنامه‌ها و دستورالعملهای خاص، به رونق بافتها و نواحی با ارزش قدیمی خود همت گماشته و هویت فرهنگی گذشته خود را دوباره زنده کرده‌اند.

امر احیا و حفاظت از بافتهای با ارزش تاریخی از اجزای پیکره فرهنگی جامعه به شمار می‌آید و تحقق آن به فعالیتهای فرهنگی مداوم نیاز دارد، زیرا میراث تاریخی تبلور فرهنگ گذشته و صیانت آینده هر جامعه است. در این نوشتار، سعی شده تا با تأکید بر بهسازی و مناسب سازی محیطهای شهری طی برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت، به نقش سازنده سازمانهای ذیربط اشاره شود، تا با روشن شدن مسئولیتهای مرتبط و همکاریهای مستمر آنها، کار احیای ارزشهای تاریخی (که در این گفتار بیشتر تأکید بر احیا و مرمت بافتها و بناهای با ارزش است)، در چارچوب ضوابط و دیوان سالاری متداول و دست و پاگیر دستخوش مشکل و معضل نشود.

بدون شک، نقش و مشارکت مردم در امر بازسازی و احیای ارزشها اهمیت خاصی داشته و بدون مشارکت مردم امر بازسازی موفق نخواهد بود و سرمایه‌گذارانهای کلانی را طلب می‌کند. چنانچه در امر بازسازی خود مردم شریک و همراه باشند، اجرای برنامه‌ها سریعتر به نتیجه می‌رسد. تجربه جهانی نشان می‌دهد که هر چه مردم به ارزش این آثار آگاه باشند، در جهت احیا و نگهداری آن بیشتر می‌کوشند. در واقع، هسته تاریخی شهرها و بافتهای با ارزش، علاوه بر محتوای فرهنگی و معنوی خود به منزله سرمایه‌های عظیم اقتصادی شمرده می‌شوند و در این سرمایه مردم شریک و سهیم اند، و مشارکت آنها می‌تواند امر بازسازی را به نتایج چشمگیری هدایت کند.

احیا و هویت بخشیدن به آثار با ارزش باعث رونق و پویایی گذشته خواهد شد. لازم است دولت به سرمایه‌گذارانهای لازم همراه با مشارکت مردم همت گمارد تا ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، و کالبدی دوباره در هسته تاریخی شهرها زنده و فعال شوند. باید گفت که در روند تنوع بخشی و تجدید سازمان در این مکانها باید چنان عمل شود که هویت و اصالت آنها از دست نرود. در این مقاله، سعی شده رابطه فرهنگ، میراث تاریخی، و احیای ارزشهای گذشته، و تجدید حیات و امر بهسازی و مناسب سازی محیط و ارزشهای اقتصادی مورد بحث قرار گیرد.

دکتر هاشم هاشم نژاد^(۱)

۱ - عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

واژه‌های کلیدی:

صیانت فرهنگ معماری، محیط مصنوع، ضرایب مستور، توسعه درون شهری، هویت بخشی، سیاست‌های فراگیر.

پیشگفتار

پیشینه حفاظت آثار تاریخی و میراث فرهنگی به بیش از پانصدسال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد.

داریوش شاه در کتیبه‌ای از آیندگان می‌خواهد که آنچه را او برجای نهاده است تخریب نکنند. کتیبه‌هایی نیز به عنوان نمونه‌های دیگر در ستونهای کاخ آپادانا در تخت جمشید، برای اطلاع آیندگان از احوال، حفظ آثار، و شرایط فرهنگی و آداب و رسوم و زندگی مردم آن زمان در اعماق دومتري زمین یافت شده است.

در دوران گذشته، اعتقاد و باورهای مردم، نگهداری و حفظ بناها و آثار باارزش را تضمین می‌کرده است. روش‌های گوناگونی در زمینه نگهداری آثار تجربه شده است، یکی از این روش‌ها، فرهنگ وقف است که روشهای آن در وقف نامه‌ها آمده است. نخستین تکلیفی که برای متولی در این وقف نامه‌ها منعکس شده، همانا حفاظت، نگهداری، و مرمت مورد وقف است.^(۱)

رابطه فرهنگ و میراث تاریخی

میراث تاریخی، در واقع صورت ظاهری کالبدی فرهنگ است. فرهنگ رکن و اساس هر جامعه پیشرفته را تشکیل می‌دهد. چنانچه فرهنگ در جامعه گسترش یافت، میراث آن نیز حفظ خواهد شد. در صورتی که جامعه‌ای به اصل پیشرفت فرهنگ مردم آن توجه نداشته باشد، آحاد آن جامعه نمی‌توانند ارزش‌های میراث خود را باور کنند و نگهداری و مرمت و ارزشهای بافت‌ها و آثار خود را جدی نمی‌گیرند و اعتقادی هم به آن نخواهند داشت. توجه کشورهای پیشرفته به حفاظت از آثار خود، نشانه رشد فرهنگی و ارج نهادن به میراث کهن و نهایتاً احیا و مرمت آثار با ارزش است. در این رهگذر، ارزشهای پدرومانه نهفته در بطن میراث فرهنگی کشف می‌شود و آگاهی و رهیافتهای ارزشهای علمی و فرهنگی به شناخت این ارزشهای نهفته و پایدار در میراث تاریخی منجر خواهد شد.

به این ترتیب، بهره‌وری فرهنگی کارآمد از فضاهای احیا شده، با توجه به مراتب اجتماعی شهروندان، می‌تواند محیطها و فضاهای شهری را زنده و پویا کند و جان و روح دوباره در کالبد آنها بدمد. برگشت علاقه و دلبستگی شهروندان به فرهنگ و فضاهای با ارزش شهری سبب می‌شود

که هویت مکانی و اجتماعی دوباره زنده شود. در این صورت است که با رشد فرهنگ و اعتقاد و باورهای مردم، امادگی برای احیا و مرمت شتاب می‌گیرد و نوآوری از دل جامعه جوانه خواهد زد. لاجرم، احیا و توسعه درون شهری در بافت‌های با ارزش، به جلب سرمایه و ایجاد تحرک اقتصادی و رویکرد جهانگردان و پژوهشگران به کشور خواهد انجامید.

پیشینه تاریخی

از دهه ۱۹۶۰ ارزش محیطهای سنتی به گونه‌ای فزاینده در تقابل با محیطهای نوگرا باز شناخته شد. در این میان، بخصوص شناخت مشخصه‌ها و کیفیتهای محیط مصنوع و ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی آن به خوبی نمایان شد که این توجه، سرانجام به هواداری از حفاظت محیط زیست و فعالیت در این حوزه انجامید.^(۲) در این امتداد، گرایش فزاینده‌ای نیز در محدوده‌های زیستگاهی نسبت به مرمت در مقابله با تخریب شکل گرفت.

به واسطه این گونه مرمتها در محله‌ها، در کنار پرداختن به مرمت مسکن به جای تخریب و از نو ساختن آن، بحث‌های اقتصادی همزمان نیز درگرفت. سیر این تحول تاریخی به این جا کشید که ارزشهای معماری باید حفظ شوند. در هر حال، وقتی صحبت از تک بناها مطرح باشد، آنها باید حفظ شوند و چنانچه بر سر هسته کامل بافت‌های با ارزش شهری باشد، باید جمله آنها به طور کامل حفاظت و بهسازی شوند. در این ارتباط، کسانی نیز نظیر جان راسکین^(۳) و ویلیام موریس^(۴) و هنرمندان و صاحب‌نظران دیگری، به تشکیل جمعیت حفاظت از بافتها و بناهای تاریخی اقدام کردند. از سویی دیگر، در منشور آتن^(۵) نیز در نگهداری و صیانت ارزشهای تاریخی تأکید شده و در پی آن، پایه‌گذاران منشور آتن و کنگره سیام^(۶) در چارچوب تأکیدها و مفاد منشور آتن، فعالیت و اقدامات مهمی را انجام دادند که از آن جمله می‌شود فعالیت‌ها و نظرهای لکوروبوزیه را برشمرد.

احیای ارزش‌ها و جلوه‌های گذشته

برای احیا و نگهداری ارزش‌های گذشته، باید آنها را

۱- دکتر مهدی حجت، مجله آبادی، سال پنجم، شماره ۱۹.
 ۲- ارزیابی مجدد کیفیت محله‌های تاریخی، هفت شهر، سال ۱۳۷۹.
 3. Joan Raskin
 4. William Morris.
 ۵- منشور آتن، (Athen Manifest) به نقل از،
 The Functional City Conrads, 1964
 6. CIAM. کنگره بین‌المللی مدرن (سیام).
 (Congress International Of Modern Architecture)

شناخت و در فهم ضرایب مستور این جلوه‌های وصف ناشدنی کوشید، زیرا معماری هر مرز و بومی بی گمان پاسخ منطقی و کارکردی به طبیعت و اقلیم آن دیار است. در همه دوره‌ها آسایش و فضا مطرح بوده است. حضور عوامل آسایش زا در چارچوب معماری، جلوه‌های معمارانه یافته‌اند. معماری از حضور باد برای تأمین آسایش بهره برده است. می‌توان به کمک جلوه‌ها و مشخصه‌های معماری کهن، ویژگی‌های بصری را به عنوان شاخصه‌های چشمگیر نام برد. نور، چشم انداز، جهت و مقیاس تناسبات جملگی از جلوه‌های شگفت‌انگیز معماری با ارزش گذشته به شمار می‌آیند. جلوه‌هایی که تداوم یافته و روحی در کالبد معماری دمیده‌اند تا جان بگیرد و خلاقیت و هویت وصف ناشدنی خود را تکرار کند. این همان هویت خاص متفاوت معماری ایران است. طبعاً این تفاوتها زاینده نوع ادراک معمار از مسئله و توانایی او در ارائه پاسخ است، وقتی طراح پل خواجه عبور ساده از روی آب را به یک سمفونی فضایی تبدیل می‌کند. عمق دریافت و توانایی عرضه حداکثر جمال، جلال و کمال در اثر خویش است و جالب این است که این کار را با طعمی ایرانی انجام می‌دهد که از راه غور در ساختمانهای گوناگون روح و فرهنگ ایرانی مشاهده می‌گردد. غور در ادبیات، مشق چشم با آثار، مأنوس شدن با نواها، تعمق در خلیقات و هر تلاش دیگری که امکان چنین حضوری را فراهم نماید، ممد کار سالک از این طریق تواند بود. بزرگترین مشخصه معماری ایرانی، ایرانی بودن آن است و برای ایرانی بودن باید عمیقاً و تنها ایرانی بود.^(۱)

توسعه درون شهری و تجدید حیات

در کشورهای پیشرفته، توسعه درون شهری و احیا و توجه به بافت‌های تاریخی، پیشینه‌ای بس طولانی دارد. در این رهگذر، طرحها و آرای منطقی همیشه وجود داشته و به طور مستمر بحث و نظریه‌های گوناگون ارائه شده است، که زمان عامل اصلی اجرای این گونه اقدامات در ارتباط با طرحهاست، و نقش اساسی و مهمی را ایفا می‌کند. زمان اجرای چنین طرحهایی در بافت‌های قدیمی نباید به درازا کشیده شود، چرا که متوقف شدن کار در چنین محیط‌هایی به دلسردی و سرخوردگی مردم و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در آن می‌انجامد. هر چه کار سریع‌تر به ثمر بنشیند، آغاز مراحل بعدی باعث استقبال بیشتر و دلگرمی مردم به امر مشارکت و نوسازی خواهد شد.

تنوع بخشی کارکردی و تجدید سازمان در حیات شهری بافت‌های تاریخی باید در زمینه تسهیلات و تنوع پذیری

چشم اندازها به مکانی جذاب تبدیل شوند، که در روند آن بازده سرمایه گذاری به طور قطعی تأمین و راه برای برنامه ریزی و استمرار تجدید حیات دوباره از بافت‌های تاریخی خود هموار شود.

شناخت عملکردها و کشف و احیای ضرایب مستور در بناها و بافت‌های تاریخی، خود مستلزم دانایی و تحقیق و تجربه‌ای است که لزوم توجه و آگاهی به آن در بازسازی و نوسازی پروژه‌های مرمتی حائز اهمیت است. بدون شناخت و کشف این اصول، هر گونه تغییری در عملکردها به بیراهه کشاندن فرهنگ و آداب و رسوم، و حیات زندگی گذشتگان است.

شناخت ارزشهای فرهنگی و بررسی ویژگی‌های آن به منظور ملاحظات مرمتی و احیا، با حفظ هویت فرهنگی بافت، مستلزم اتخاذ سیاست‌ها و ارائه راه حل‌های فراگیر پایدار و مستمر در احیای بافت‌های با ارزش است.

تلاش در جهت احیا در محله‌های تاریخی شهری باید در چارچوب بافت و محیطی حساس صورت پذیرد، تا واکنش‌های مثبت خود را بروز دهد. در این صورت فرایندهای حفاظت، صیانت، و بهسازی محله‌های تاریخی در روند تجدید حیات خود به محیطی سرزنده و فعال و پویا تبدیل می‌شوند.

تفاهم و هم سوئی نظرهای مردم و مسئولان به توفیق برنامه‌های مرمتی کمک مؤثری می‌کند؛ اگر این توفیق دست دهد، راه برای ادامه مرمت بافت‌های قدیمی شهر و توسعه پایدار آن هموار خواهد شد.

بهسازی و مناسب سازی محیط

مهمترین ضرورت توجه به سیمای کالبدی بافت‌های تاریخی، توجه به فرسودگی روزافزون آن است که جلوگیری از تداوم این روند، تدوین برنامه‌ها و طرحهای ضربتی و عاجلی را طلب می‌کند، تا از تهدیدهای زیست محیطی و نابودی آن جلوگیری شود. هر گاه به سرعت به مناسب سازی محیط پرداخته و به شرایط زندگی امروز توجه نشود، محیطهای تاریخی و با ارزش به فضاهای خالی از سکنه و بی روح و بی ثمر تبدیل خواهند شد. حاصل این گونه بی توجهی، سوق دادن این محیط در جهت تبدیل آن به محله‌های ناامن، فاسد، و خالی از سکنه است. ضرورت‌های اجتماعی محلی در بهسازی بافت قدیم عمدتاً ناشی از تخلیه تدریجی محل از ساکنان قدیمی، و مهاجرت اقشار اجتماعی اصیل مناطق

قدیمی، و جایگزینی آنها با مهاجرین کم درآمد است که فاقد هر گونه وابستگی به این مناطق هستند. از سوی دیگر، پیشگیری از بروز و گسترش انواع بزهکاریهای اجتماعی، و واگذاری بافتهای قدیمی به فعالیت‌های خاص و رده پایین، باعث کاستن ارزشهای فرهنگی نهفته در آن شده است. بررسی دلایل نارضایتی از زندگی در بافت قدیم، نشان می‌دهد که علت اصلی نامطلوب بودن بافت تاریخی، علاوه بر فقدان دسترسی و خدمات لازم و مناسب، وجود و حضور بزهکاران و معتادان نیز از عوامل مهم بوده‌اند.^(۱)

باید گفت که اقدام به بهسازی در بافتهای باارزش و واجد پیشینه‌های تاریخی، چنانچه بصورت کلی و همه سونگر در زمینه برنامه ریزی سازمان فضایی آن و هم گام و هماهنگ با بقیه ارکان پیرامونی‌اش، صورت نگیرد و فقط به صورت مقطعی و موضعی به آن نگریسته شود، به نتیجه جامع و پایداری نخواهد انجامید. بافت قدیم، به صورت زنجیر وار با فعالیت‌ها و عملکردهای همجواری همساز است، و از نظام سلسله مراتب عملکردی فضاهای شهری پیروی می‌کند. در برنامه ریزی احیای بافتهای قدیمی، باید به دو برنامه کوتاه و بلندمدت توجه کرد. برای احیای بافتهای قدیمی، اقدام به نگهداری و جلوگیری از تاثیر عوامل فرسایش و ویرانگر آن، در اولویت نخست یا کوتاه مدت قرار می‌گیرد. در برنامه‌های بلندمدت، که سیر و روند کار احیا و بازسازی مطابق برنامه‌ها و نیازهای نواحی به فضاهای لازم و ضروری تعیین می‌شود و سیمای آبی را رقم می‌زند، بهتر است به صورت محرمانه انجام پذیرد تا با عوامل تخریب گر مالکین در جهت از بین بردن ارزشهای فرهنگی بناها مواجه نشود. سازمان اجرایی محدوده طرح باید در زمینه مسائل حقوقی کلیه سازمانها و تشکیلاتی که مستقیماً با بافت تاریخی ارتباط پیدا می‌کنند، آنها را با برنامه‌های خود مطلع کنند و نمایندگانی از آنها را به منظور همکاری و همفکری در سیر و روند احیا و نوسازی سهیم و شریک کند. کلیه سازمانهای دولتی، نظیر وزارت نیرو، شهرداریها و مسکن و شهرسازی و سایر نیروها را برای به کار انداختن سازوکارهای لازم و کاستن از روند طولانی دیوانسالاری مبتلا به و دست و پاگیر امر توسعه، به همکاری دعوت کنند.

سیاست‌های فراگیر و مشارکت مردم

بنابراین، برای حفظ و تقویت هویت موجود و مدد رساندن به ایجاد هویتی جدید، ضروری است که شهرها سیاستهای فراگیر را برای وجوه حیاتی چشم انداز شهری خود تدوین کنند. میراث‌های قدیمی و یادمان‌های گذشته را احیا

کنند و در تقویت و نگهداری آنها بکوشند. بناهای تاریخی شهرها یادآور فرهنگ تمدنهای شهری گذشته‌اند و حفاظت از تک بناها یا مجموعه بناهای مهم برای حفظ تداوم بصری و اجتماعی شهرهایمان امری حیاتی است. این میراث عظیم فرهنگی منشاء الهام و راهیابی به حل مشکلات بازسازی بافتهای تاریخی خواهد بود که با شناخت فرهنگ غنی به آنچه که میراث پربها و با ارزش گذشتگان است دسترسی می‌یابیم و بارقه‌های امید و حیات زنده و پویای مجددی را در آنها زنده کنیم. توفیق‌ها و هویت بافتهای تاریخی گذشته را که ماحصل آن ارتباط نزدیک و تفاهم بین مردم، پژوهشگران و مدیریت شهری یا نظام بوده، دوباره احیا کنیم. در این مورد، ایفای نقش و مشارکت مردم بارز است و به عنوان عامل اصلی حصول موفقیت، در نهایت احیای بافت‌ها و بناهای تاریخی را در پی خواهد داشت. در این راستا، حفاظت و احیای بناها و بافتهای با ارزش قدیمی به کاربریهای جدید تبدیل می‌شود و فعالیت مناسب آنها با حیات جدید و روزمره انطباق پیدا می‌کند.

بی‌گمان احیای بافت و حفاظت از آثار تاریخی، با چشم پوشی از این که نحوه مشارکت فعال مردم را طلب می‌کند، از آنجا که موضوع و مقوله‌ای ملی است، دولت باید کمک‌های ضروری و سرمایه‌گذارهای اساسی خود در این حوزه را تحقق بخشد و یارانه‌های لازم را در اختیار این بخش قرار دهد. نمی‌توان از مردم انتظار داشت که تمام هزینه‌ها را پرداخت کنند. این هزینه‌ها در واقع باید از محل اعتبارات ملی پرداخت شوند تا بعد از احیا شدن بافتهای تاریخی، مردم محیط نو و فعال خود را حس کنند. در چارچوب چنین روشی است که انگیزه کار و مشارکت مستمر برای مردم میسر می‌شود. «در واقع احیای بافتهای قدیمی قدرت متمرکز می‌خواهد که به طور اصولی و منطقی برنامه ریزی و طراحی شوند و قدم اول را به عنوان شروع کار بردارد، و مقدمات مشارکت و سهیم شدن مردم را در این برنامه‌ها پیشنهاد نماید. و ضمن آگاهی دادن و روشن کردن مسائل و تشویق مردم انگیزه همکاری و همفکری را در مردم ایجاد نماید».^(۲)

می‌دانیم که تنها بافتی که دستاوردهای قرن‌ها معماری و شهرسازی و فرهنگ در آن گنجیده شده، بافت تاریخی شهرهاست. منطقه تاریخی و بافتهای با ارزش شهرها بسیار درخور توجه و دارای ویژگی خاصی است. این امر گستردگی

۱- بررسی مسائل از دیدگاه صاحب‌نظران شهری، تدوین دکتر منصور فلامکی، ۱۳۷۴.

۲- ضرایب نهفته در بافتهای کهن، مقاله ارائه شده به دومین کنفرانس ارگ بم، دکتر هاشم هاشم‌نژاد.

معیارهای وسیع مداخله در امر حل مشکلات را ترسیم و تعیین میکند، که بخشی از آن مشارکت عظیم مردم ساکن را می‌طلبد. تجربه دنیا و کشور ما نیز نشان داده که هر چه مردم ارزش این آثار را عمیقتر درک کنند، در جهت نگهداری آن بیشتر می‌کوشند، و هرچه مسئولان با این ارزشها و کیفیت آنها آشنا تر باشند و بپذیرند که این هم بخشی از فعالیتهای عمرانی و اساسی است، طبعاً در برپایی و نگهداری آن توفیق بیشتری خواهند داشت. افراد با فضاهایی که در آن زندگی می‌کنند رابطه فرهنگی برقرار می‌کنند. بنابراین، امر احیا و حفاظت پدیده‌ای فرهنگی است و تحقق آن نیاز به فعالیتهای فرهنگی دارد.

ارزش‌های اقتصادی و هویت بخشی

بناها و هسته‌های قدیمی و شهرهای سنتی علاوه بر محتوای فرهنگی و معنوی خود، به منزله سرمایه‌های عظیم اقتصادی نیز تلقی می‌شوند و تبلور تلاشهای مادی و معنوی مردم در طول تاریخ به حساب می‌آیند. در این ارتباط، بناها و بافت‌های واجد ارزش، تنها یک مورد کالبدی نیست، بلکه مسائل اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. سرشت اساسی کالبدی با مجموعه‌های با ارزش دیرین، شکل‌گیری هماهنگ، مداوم، پیوسته و یکپارچه آن در گذر زمان است. متأسفانه، در حال حاضر بافت‌های با ارزش کارآیی لازم را در برابر شکل زندگی امروز ندارند و به همین جهت روز به روز فرسوده‌تر و از کار افتاده‌تر می‌شوند.

یکی از دلایل عمده‌ای که باعث می‌شود بافت‌های شهرهای بسیاری هویت خود را شتابان از دست دهند، ناتوانی آنها در اتخاذ و به کار بستن سیاستهای بصری یکدست بوده است. به عناصر مهمی چون ساختمانهای بلند اجازه داده می‌شود تا بی هیچ دلیلی در شهرها سر برآورند و در اغلب موارد ویژگیهای زیبای موجود در حفظ آسمان را از شکل بیندازند. آشفتگی در سیاست گذاری و فقدان سیاستهای قاطع در مورد ساختمانهای تاریخی، به وارد آمدن ضایعات غیرقابل جبران پر دامنه‌ای به بناهای تاریخی و حتی کل بافت با ارزش تاریخی انجامیده است. اجرای برنامه‌ها و سیاست گذاریهای هماهنگ و کارآمد، به هویت از دست رفته بافتهای تاریخی کمک خواهد کرد تا رونق و پویایی گذشته خود را به دست آورند.

جمع‌بندی

حفاظت ارزشهای تاریخی پیشینه بس طولانی دارد و در طول زمان برای احیای این آثار تمهیدات و دستورات عمل‌هایی مطابق با شرایط زمان و مکان اندیشیده شده است. میراث

تاریخی، تبلور فرهنگی گذشته و صیانت آینده هر جامعه است. پیشگامان معماری جهان برای حفظ و احیای ارزشهای تاریخی و فرهنگی از دیرباز با برگزاری همایشها و هم اندیشیها تلاش کرده‌اند تا قوانین و بیانیه‌هایی را برای حفظ ارزشها وضع و تدوین کنند. باید در نظر داشت که توسعه درون شهری و احیای بافت‌های تاریخی نباید به طول انجامد، زیرا در غیر این صورت به دلسردی و سرخوردگی ساکنان می‌انجامد. جمله اینیه بافت‌های کهن همساز با شرایط اقلیمی و طبیعی ساخته شده‌اند و پاسخگوی منطقی و کارکردی نیازها به بهترین وجهی بوده‌اند.

در روند تنوع بخشی و تجدید سازمان بافت‌های با ارزش، باید چنان عمل شود که این بافتها هویت و اصالت خود را از دست ندهند. هم سو بودن با آرای مردم به توفیق برنامه‌های مرمتی، و توسعه پایدار مرمت شهری کمک موثری می‌کند. بهسازی باید با محیط پیرامون هم گام و هماهنگ باشد، و باید توجه داشت که بافت قدیم از نظام سلسله مراتب فضاها پیروی می‌کند. باید احیا و باز زنده سازی بافت‌های قدیمی را در طی برنامه‌های کوتاه مدت اجرا کرد.

لازم است دولت در حوزه احیای بافتهای با ارزش سرمایه گذاری کند و برای این کار یارانه‌ها و تسهیلات لازم را از هر جهت فراهم آورد، تا هزینه‌های جانبی بر دوش مردم نیفتد. در ضمن باید برنامه‌های تشویقی به منظور ایجاد انگیزه‌های همکاری و همفکری با مردم را نیز در نظر بگیرد. باید از تجربه‌های کشورهای پیشرفته بهترین و بیشترین بهره را گرفت. به ارزشهای اقتصادی و اجتماعی در بافت نیز باید توجه کافی کرد، چرا که صرفاً نباید شکل کالبدی مورد نظر باشد. بی گمان، بازده اقتصادی بافت‌های با ارزش عدم از کار افتادگی و فرسودگی بافت‌های تاریخی را تضمین می‌کند.

منابع

۱. مجله آبادی، سال پنجم، شماره ۱۹، سال ۱۳۷۴.
۲. مجله هفت شهر، شماره ۲، سال ۱۳۷۹.
۳. مجله آبادی شماره ۱۹، سال ۱۳۷۴.
۴. بررسی مسائل از دیدگاه صاحب‌نظران شهری، خلاصه مذاکرات شورای تخصصی شهر تهران، تدوین دکتر منصور فلامکی.
۵. مجله هفت شهر، شماره ۴، سال ۱۳۸۰.
۶. دکتر هاشم هاشم‌زاده، اهمیت طراحی شهری در بافت‌های با ارزش، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۵۹.
7. Middleton, R, The Architecture And Tradition, 1983.